www.shahrvand-newspaper.ir

شهروند

دوشنبه

۹۸.۴.۳۱

۱۹ ذی‌القعده ۱۴۴۰ | 22 Jul 2019 |
سال هفتم | شماره ۱۷۴۷ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

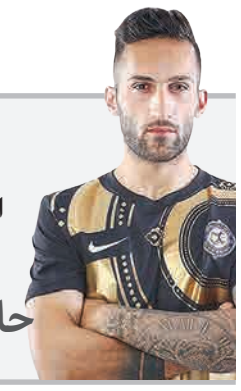

پیام صادقیان به «شهروند» از سایت شرط‌بندی‌اش می‌گوید:

استعدادم را کُشتید حالا افسوس می‌خورید؟

صفحه ۱۵

تکمیل خودروهای ناقص کف کارخانه، قیمت برخی مدل‌های داخلی را تا ۱۰ میلیون تومان کاهش داد

حباب شکنی خودروهای زمین‌گیر

صفحه ۸

تله آمریکایی و تقلید کورکورانه

کمیته واکنش اضطراری انگلیس (کبرا) بیانیه‌ای درباره مصادره و تحریم دارایی‌های ایران به پارلمان خود ارایه می‌دهد

صفحه ۲

فلاکت دست حوا را بلعید

ماجرای حمله «گاندو» به دختر ۱۰ ساله در چابهار از زبان مادرش

صفحه ۶

آغاز مرحله کشوری هفتمین دوره مسابقات آماده

سنجش آمادگی دادرسان

صفحه ۱۰

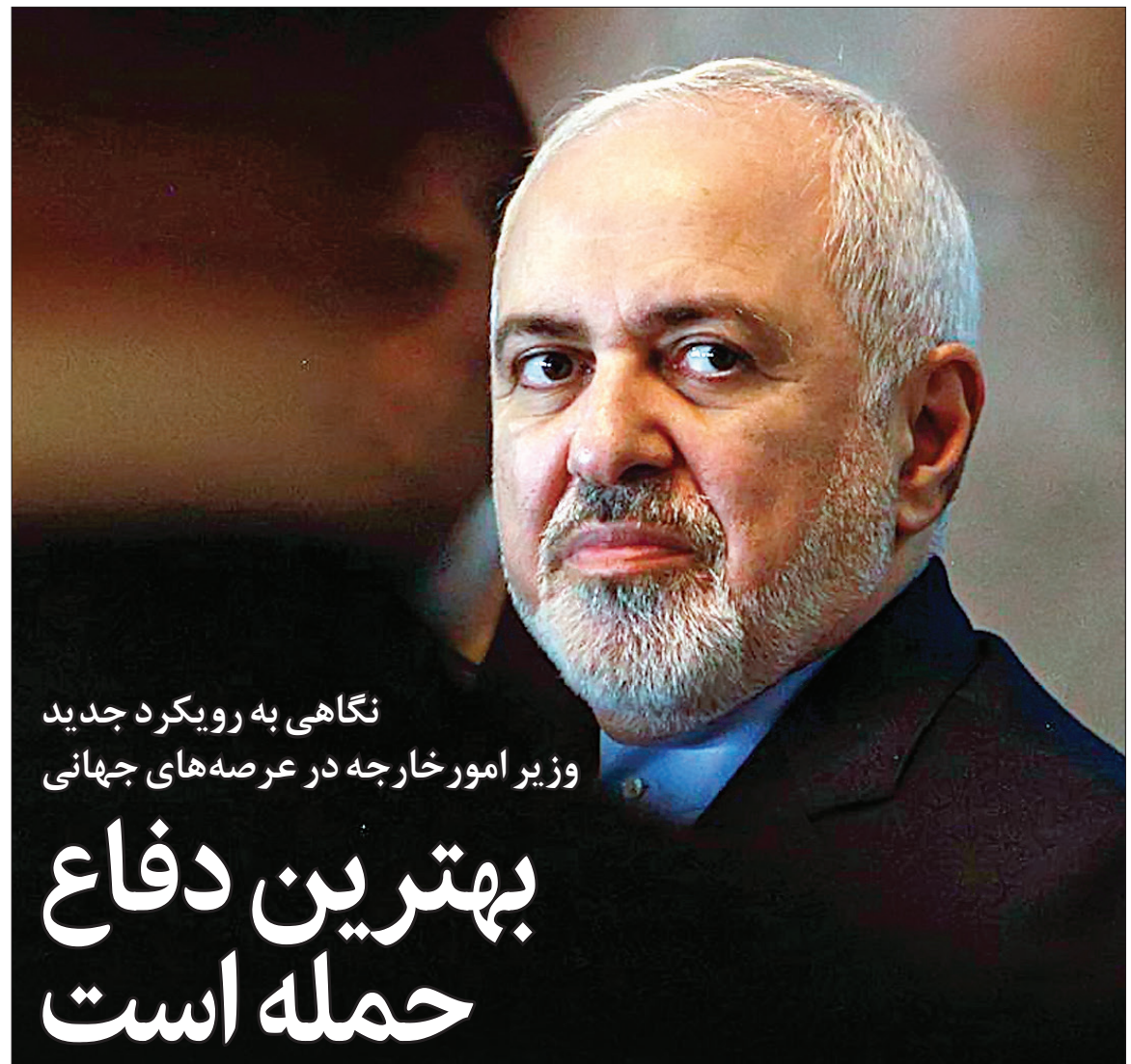

نگاهی به رویکرد جدید وزیر امور خارجه در عرصه‌های جهانی

بهترین دفاع حمله است

محمدجواد ظریف چند روز گذشته را در نیویورک و بعد در کاراکاس به سر برده است این روزها هم تماما به فعالیت‌های دیپلماتیک، مذاکرات و اظهارات او اختصاص داشته. یکی از فعالیت‌های مثبت وی گفت‌وگوهای گوناگون و متعدد با شبکه‌های تلویزیونی جهانی و به‌طور مشخص شبکه‌های مهم آمریکایی است. روشن است که دست وی در گفت‌وگوی موثر برای دفاع از منافع ایران باز است. واقعیت این است که در مجادلات اخیر چه با ترامپ و چه با بریتانیا ایران از نظر منطق سیاسی و حقانیت دست بالا را دارد، زیرا ترامپ بی‌هیچ توجیهی از برجام خارج شده و افکار عمومی جهان این را نمی‌پذیرد و اوست که باید توضیح دهد که چرا نقض تعهد کرده و چنین اقدام غیرمعقولی را انجام داده است. درباره ماجرای کشتی‌ها نیز دولت بریتانیا بازیچه دست تندروهای آمریکایی چون جان بولتون شد و دست به اقدامی غیرقانونی زد و کشتی ایران را در جبل‌الطارق توقیف کرد و به دنبال آن نیز ایران واکنش نشان داد و کشتی نفتی انگلیسی را تحت کنترل خود درآورد. به قول معروف کشتی جواب کشتی! این که ایالات متحده به‌عنوان قدرت اول جهانی قلدری کند، اگرچه غیراخلاقی است، قابل انتظار است، ولی این که بریتانیا به‌خود حق دهد که چنین کند پذیرفتنی نیست. در هر حال اگرچه ظریف قادر است که از مواضع ایران در این رسانه‌ها به‌خوبی دفاع کند و در این توانایی وی شکی نیست، ولی در این میان دو نکته را نباید فراموش کرد.

اول این که چرا در ایران و صداوسیما امکان چنین گفت‌وگوهایی را با مقامات دیگر کشورهای مرتبط با مسأله فراهم نمی‌کنند؟ این امر یا ناشی از ناتوانی رسانه‌ای ایران است یا ناشی از فقدان اعتماد به نفس. اگر آنان فرصتی را برای بیان اظهارات در اختیار ظریف می‌گذارند از روی علاقه به ایران نیست، بلکه از روی علاقه به رسانه‌هایشان است که این چنین اعتبار خود را حفظ می‌کنند. بنابراین اگر ما هم خواهان رسانه‌های واقعی و اثرگذار هستیم، باید درهای آن را به روی همه باز کنیم و اجازه دهیم که مردم داوری کنند.

نکته دوم و مهمتر این است که سیاست خارجی را نباید و نمی‌توان به گفت‌وگوهای رسانه‌ای تقلیل داد. این گفت‌وگوها خوب و لازم است، ولی هنوز کافی نیست. باید در کنار آنها گفت‌وگوهای دیپلماتیک و حتی پشت درهای بسته را در دستور کار قرار داد. باید ایده‌های روشن برای حل مشکلات ارایه کرد. درست است که آمریکایی‌ها زور می‌گویند و نباید زیر بار آن رفت چرا که این ذلت حدی نخواهد داشت و ما را تا آخر تحت فشار بیشتر قرار خواهند داد، ولی برای همین وضع هم باید پیشنهادهای سازنده ارایه کرد و آنان را در موقعیت انفعالی قرار داد. متاسفانه ایران هنوز طرح‌های روشن و موثر خود را رو نکرده است. طرح‌هایی که متضمن منافع ایران باشد و انفعال طرف مقابل را نیز تشدید کند.

حضور بیش از ۵۱۰ شرکت، سازمان و استارت‌آپ در نمایشگاه الکامپ امسال همه را دلگرم کرد

سرمایه زیاد است ایده بیاورید

صفحه ۱۲

گزارشی در مورد طرح تابستانه کتاب و چگونگی برگزاری آن در این سال‌ها

«همنشین دلنشین»؛ کتاب

صفحه ۴

هجوم هواداران به مدیریت استقلال در حمایت از پادو

#پادوانی_تنها_نیست

صفحه ۱۵

شوی ضد سینمای هفت برای ویرال شدن

این هفته: کیارستمی که فیلمساز نبود!

صفحه ۱۴

یادداشت

شورش علیه حیات!

سیاوش باقی | «جمعه‌ها برای آینده» نام پویش جدیدی است که دانش‌آموزان راه انداخته‌اند. تجمع هفتگی بچه‌ها در بسیاری از شهرهای جهان برای اعتراض به اقدامات ضدمحیط‌زیستی. بچه‌ها می‌گویند باید جلوی تخریب محیط‌زیست را گرفت و برای تغییرات اقلیمی که ناشی از فعالیت‌های بشر روی کره آبی است، فکری کرد. بر این اساس، دانش‌آموزان به‌خصوص در کشورهای اروپایی هر جمعه به خیابان‌ها می‌آیند تا با صدای بلند بگویند به این روند معترض‌اند و برای آینده بشر و زمینی که روی آن زندگی می‌کنیم، باید فکری کرد. فکری که بزرگترها نمی‌کنند و زمین را خودخواهانه فدای رفاه و آسایش دو روزه خود کرده‌اند. این کمپین از سوئد و با ایده یک نوجوان سوئدی آغاز شده و حالا به ۱۳۰ کشور جهان گسترش پیدا کرده است. هر جمعه شهرهای اروپایی با خیل بچه‌هایی مواجه‌اند که برای حفاظت از محیط‌زیست به میادین و خیابان‌ها می‌آیند و کار حتی به درگیری و دستگیری معترضان هم کشیده شده. مثل آن‌چه همین جمعه اخیر در لندن روی داد و پلیس با محصلانی که خیابان را بسته بودند، برخورد و چند نفرشان را دستگیر کرد. چرا این پویش و مشابه آن در ایران بازتابی ندارد و توجهی را جلب نمی‌کند؟ چرا مردم به روزهای بدون خودرو، از روزهایی که باید استفاده از برق محدود شود و کلا به برنامه‌های محیط‌زیستی آنچنان که باید روی خوش نشان نمی‌دهند؟ چیزی که مشخص است این که حامیان و پیگیری کنندگان چنین برنامه‌هایی یک اقلیت بسیار کوچک از جامعه‌اند و چه‌بسا خبر تلاش‌ها و برنامه‌هایشان هم به گوش بخش بزرگ جامعه نمی‌رسد.

ادامه در صفحه ۲

گزارش «شهروند» از فعالیت‌های پیش‌فصل ۴ مدعی لیگ نوزدهم

آبی، زرد یا قرمزها؛ سلطان پنجره کی بود؟

صفحه ۱۴

عمارت تاریخی که تا پای مخروبه‌شدن پیش رفته است

خورشید قاجارها بار دیگر «تابان» می‌شود؟

صفحه ۳

معاون علمی و فناوری رئیس جمهوری از مهاجرت سالانه حدود ۲هزار دانشجو به آمریکا خبر داد:

اون که رفته دیگه هیچوقت نمیاد

کارن خانلری، عضو کمیسیون آموزش مجلس به «شهروند» می‌گوید: «اغلب افراد به دنبال زندگی بهتر، کار مناسب و...

صفحه ۳

وزیر راه‌وشهرسازی از عرضه ۶۰هزار خانه ارزان برای مردم پایتخت‌نشین خبر داد:

خانه‌های ۳۰۰ میلیون تومانی برای تهرانی‌ها

۶۰هزار خانه ۱۰۰متری در تهران با قیمت ۳۰۰میلیون تومان عرضه می‌شود. این خبری است که محمد اسلامی، وزیر راه‌وشهرسازی اعلام کرده و گفته است: «درحال حاضر واحدهایی که عرضه می‌شود، بزرگ‌متراژ بوده و در بخش سوداگری، خریدوفروش می‌شود...

صفحه ۹

هشداری در خصوص «حشیش» مصرفی در ایران

کاکائو را جایگزین حشیش کنید

صفحه ۳

شهروندگی

وزیر راه از اخذ مالیات از خانه‌های خالی با راه‌اندازی سامانه ملی املاک خبر داد

یک مجرد: برای پرشدن خونه‌های خالی رو ما حساب کنید!

صفحه ۱۶

حاشیه نویسی

در حاشیه آمار قابل تأمل معاون علمی و فناوری رئیس جمهوری

اتلاف سالانه چندهزار ایرانی نخبه و صدها میلیارد سرمایه جبران‌ناپذیر

معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهوری می‌گوید: «سالانه ۲هزار دانشجوی ایرانی به آمریکا مهاجرت می‌کنند. شاید این عبارات و عدد در ظاهر چندان سهمگین نباشند. ما در سال‌های گذشته رئیس‌جمهوری‌هایی هم داشته‌ایم که از مهاجرت ایرانی‌ها استقبال می‌کرده‌اند و جمله معروفشان این بود که «ما از این نخبه‌ها زیاد داریم و بخشی از آنها هم بروند طوری نمی‌شود». نقل به مضمون. اما این صحبت‌ها شوخی است و مسئولان و دلسوزان کشور مثل معاون رئیس‌جمهوری می‌دانند که این سیل مهاجرت چه هزینه سنگینی برای ما دارد و چه لطمه جبران‌ناپذیری است. فقط برای محاسبه زیان مادی این پدیده اجازه بدهید کمی جمع و ضرب ساده انجام دهیم.

بودجه درنظر گرفته شده برای آموزش و پرورش در سال ۹۸ در حدود ۵۰هزار میلیارد تومان بوده است که با توجه به جمعیت ۱۴میلیونی دانش‌آموزان، سرانه هر دانش‌آموز در سال ۳٫۵میلیون تومان می‌شود. اگر این سرانه را عددی قابل قبول برای دوران تحصیل دانش‌آموزان بدانیم، برای هر دانش‌آموز تا زمان فارغ‌التحصیلی فقط ۴۲میلیون تومان از طرف آموزش و پرورش هزینه شده است. البته به این عدد باید همه هزینه‌های دیگری که اختصاص داده می‌شود، اضافه کرد. از هزینه‌های ورزش و تربیت‌بدنی تا هزینه سلامت و یارانه و هزینه‌های رفاهی و خدماتی دیگر. به اینها اضافه کنید هزینه‌هایی را که باید صرف ارتقای دانش‌آموزان تا مقطع دانشجویی شود و پس از آن بودجه‌ای که از طریق آموزش عالی صرف تحصیل دانش‌آموزان می‌شود. با این حساب مشخص است که هر ایرانی تا به دانشگاه برسد، فقط از نظر ریالی، چند صدمیلیون تومان هزینه برای کشور داشته که باید اینها را پس از فارغ‌التحصیلی و آمدن به بازار کار در خدمت به کشور و جامعه پس بدهد. اگر هر دانشجویی را یک هزینه صدمیلیون تومانی درنظر بگیریم، یعنی حداقل هزینه ممکن، مهاجرت ۲هزار دانشجو در سال یعنی فقط ۲۰۰میلیارد تومان استعداد و شایستگی که هرسال دودستی تقدیم آنسوی آب‌ها می‌کنیم. تازه این آمار دانشجویانی است که به آمریکا می‌روند و لابد اگر کانادا و استرالیا و اروپا را هم اضافه کنیم، ارقام باز هم نجومی‌تر خواهد شد. اینها را ضربدر تعداد همه این سال‌ها کنید تا ببینید صادرات مغز و نیروی انسانی ما به چه اعدادی خواهد رسید. به اینها همه آن چند ۱۰هزارنفری را که پس از فارغ‌التحصیلی به‌عنوان دکتر و مهندس مملکت از این‌جا می‌روند را هم اضافه کنید تا سرتان سوت بکشد. این هدیه‌ای است که ما لاینقطع داریم برای کشورهایی ارسال می‌کنیم که تحریم‌مان کرده‌اند و از حقوق اساسی‌مان محروم.

برای ما که ادعای مبارزه و عزت‌نفس داریم، چنین آماری چه معنایی باید داشته باشد؟ این که سالانه هزارن نفر که سرمایه‌ای غیرقابل جبران‌اند از بغل گوشمان، به همان جایی می‌روند که قرار است در مقابلش بایستیم. بهترین بچه‌های این سرزمین کشوری را قدرتمندتر می‌کنند که ضعف و زبونی ما را می‌خواهد. این وضع می‌توانست تغییر کند و می‌شد جلوی این سیل خروجی ویرانگر را گرفت. اگر نگاهمان کمی هم به دخل برمی‌گشت و مطالبات شهروندان این مملکت را جدی‌تر می‌گرفتیم و برای ماندن‌شان برای رضایت‌خاطرشان کمی منعطف‌تر بودیم و شرایط بهتری مهیا می‌کردیم، شوخی نیست. یک‌بار دیگر عددها را مرور کنید.